۱۶

چهارمین کنگره بین‌المللی تاریخ علوم در اسلام
در دانشگاه حلب

حلب، ۱ ـ ۶ اردیبهشت ۱۳۶۶

سخنرانی

کتاب الشکوك علی جالینوس لمحمدبن زکریا الرازی

به زبان عربی

پیشگفتار

مؤسسه «میراث علمی اسلامی» (معهد التراث العلمی العربی) وابسته به دانشگاه حلب، چهارمین کنگره بین‌المللی تاریخ علوم نزد مسلمانان (تاریخ العلوم عندالعرب) را از تاریخ ۲۱ تا ۲۶ آوریل ۱۹۸۷ مطابق با اول تا ششم اردیبهشت ۱۳۶۶ در شهر حلب برگزار کرد.

در این کنگره که تحت حمایت رئیس جمهور کشور سوریه، حافظ اسد برگزار شد متجاوز از شصت تن از دانشمندان داخلی و خارجی حضور داشتند.

شرکت کنندگان مسلمان از کشورهای پاکستان، هند، مالزی، اردن، الجزایر، عربستان سعودی، لبنان، کویت، مراکش، لیبی، ایران بودند و از کشورهای غربی از اسپانیا و آمریکا و بلژیك و هلند و فرانسه و آلمان و انگلستان و یونان در کنگره شرکت داشتند و هزینه رفت و آمد و اقامت اعضا به وسیلهٔ دانشگاه حلب تأمین شده بود.

مؤسسه «میراث علمی اسلامی» وابسته به دانشگاه حلب، در سال ۱۹۷۶ تأسیس و ساختمانی نو و مجهز به وسایل و ابزار تحقیق در محوطه دانشگاه به آن اختصاص داده شده و تاکنون سه کنگره در سطح بین‌المللی (۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ در حلب و ۱۹۸۳ در کویت) و ده کنگره در سطح ملّی (در حلب و سایر شهرهای سوریه) برگزار کرده است و از سال ۱۹۸۰ رسماً تدریس تاریخ علوم اسلامی را برای اخذ درجهٔ لیسانس و فوق لیسانس ودکتری‌درتاریخ علوم اسلامی آغاز کرده و دارای سه شعبهٔ زیر می‌باشد:

۱. تاریخ علوم پزشکی.
۲. تاریخ علوم پایه.
۳. تاریخ علوم تطبیقی.

کتابخانه مؤسسه دارای ۱۶ هزار جلد کتاب عربی و خارجی و ۴۶۰ نسخهٔ خطی و ۲۴۰۰ میکروفیلم و ۳۵۰ نشریه و مجله علمی است.

کنگره نمایشگاهی از کتب ناشران مختلف کشورهای عربی در کتابخانه مرکزی دانشگاه ترتیب داده بود؛ و نیز نشریات مؤسسه در محل کنگره یعنی عمارت مؤسسه به معرض نمایش گذاشته شده بود و در نمایشگاه به فروش می‌رسید. توجهی اجمالی به نشریات مؤسسه، نشان می‌دهد که مؤسسه در طی ده سال فعالیّت خود به موفقیت‌های چشمگیری نائل شده و خدمت بزرگی به معرفی آثار علمی دانشمندان اسلامی در سطحی عالی کرده است.

کتابهایی که مؤسسه در طی این ده سال انتشار داده عبارت است از:

۱. **تقی الدین والهندسة المیکانیکیّة** این کتاب دربارهٔ ابزار و آلات مکانیکی که مهندس دمشقی قرن شانزدهم میلادی تقی الدین محمد تعبیه کرده بحث می‌کند؛ و گذشته از شرح احوال و اهمیت او در این علم رساله معروف او موسوم به: **الطرق السنیة فی الآلات الروحانیة** در کتاب آمده است.

۲. **ابن الشّاطر الفلکی** این کتاب به مناسبت یادبود ششصدمین سال وفات منجّم بزرگ علی بن ابراهیم بن الشاطر نوشته شده و نظریات و ابتکارات علمی او که مورد استفاده کوپرنیك قرار گرفته با مقالاتی که دربارهٔ او نوشته شده در این کتاب دیده می‌شود.

۳. **ریاضیات بهاءالدین العاملی** این کتاب مشتمل بر خلاصة الحساب و جبر و مقابله دانشمند بزرگ شیعی بهاءالدین عاملی معروف به شیخ بهایی است که در آن قواعد حسابی و جبری با ذکر امثله بیان شده است.

۴. **مخطوطات الطب والصیدلة فی المکتبات العامّة بحلب** در این کتاب هشت هزار نسخه خطی در پزشکی و داروشناسی که در کتابخانه‌های عمومی شهر حلب موجود است معرفی شده و مقدمه‌ای در تاریخ پزشکی و همچنین معرفی کتابخانه‌های حلب نیز در آن آمده است.

۵. **افراد المقال فی الامر الظلال** (ترجمهٔ انگلیسی) این کتاب از ابوریحان بیرونی است که دربارهٔ «سایه‌ها» نوشته و هدف او، آن بوده تا به وسیلهٔ آن استادش شیخ ابوالحسن مسافر بتواند اوقات دقیق اعمال شرعی را به وسیله سایه‌های شاخص تعیین کند. اصل عربی

کتاب در حیدرآباد هند چاپ شده است.

۶. **الجامع بین العلم والعمل** مولف یعنی ابوالعز جزری در این کتاب متجاوز از پنجاه آلت میکانیکی و هیدرولیکی را یاد می کند و انواع ساعتهای آبی و همچنین کیفیت بالا آوردن آب را بیان می‌دارد. این کتاب به وسیلهٔ دونالد هیل به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۷. **سرّ الخلیقة و صنعة الطبیعة** این کتاب که اصل آن از بلیناس حکیم است دربارهٔ علم معادن و کیمیا و تکوّن و خلقت عالم بحث می کند و ظاهراً اصل یونانی آن مفقود شده است.

۸. **الفارق** مؤلف کتاب، محمد بن زکریای رازی؛ در این کتاب فرق و تفاوت بیماری‌هایی که به هم شبیه هستند، بیان می‌دارد و از بیماری‌های سر شروع و به بیماری‌های پا به طریق سؤال و جواب ختم می‌نماید.

۹. **الحیل** کتاب **الحیل** از آثار بنوموسی است از آلات میکانیکی و تجهیزات هیدرولیکی بحث می کند و از منابع مهم تاریخ تکنولوژی اسلامی به شمار می‌آید.

۱۰. **فهرس المخطوطات المودعة فی خزانة المعهد** در این کتاب چهارصد و پنجاه نسخه خطی در موضوعات علمی و ادبی و دینی و طب و نجوم و ریاضیات و کیمیا و سحر و فقه و تاریخ و منطق و تصوف معرفی شده و روش علمی فهرست نویسی و تقسیم بندی علوم در آن رعایت گردیده است.

۱۱. **مراسم الانتساب فی معالم الحساب** اموی مؤلف کتاب؛ نخست مقدمات علم حساب مانند جمع و طرح و ضرب و تقسیم و جذر را بر مبنای اعداد صحیح و مکسور بیان می‌دارد و سپس به بحث علمی دربارهٔ جبر و مقابله می‌پردازد.

۱۲. **الساعات المائیة العربیة** (انگلیسی) دونالد هیل مؤلف کتاب، نخست به بحث دربارهٔ ساعتهای آبی پیش از اسلام می‌پردازد و سپس از رساله‌ای که به غلط به ارشمیدس نسبت داده شده سخن می گوید و آنگاه اشاره به **میزان الحکمهٔ** خازنی، و **علم الساعات** از رضوان بن محمّد ساعاتی خراسانی، و **الحیل الهندسیة** از جزری می کند و در آخر تأثیر این علم را در اروپا بیان می‌دارد.

۱۳. **الجبر والمقابله** این کتاب که از حکیم عمر خیام است با مقدمه‌ای کوتاه زبان عربی آغاز شده و سپس متن کتاب با ترجمه و تحلیلی علمی به زبان فرانسه آمده است.

۱۴. **دلیل الباحثین فی تاریخ العلوم عندالعرب والمسلمین** در این مجلد استادان و دانشمندان کشورهای مختلف که به بحث و تحقیق در علوم اسلامی مشغول هستند معرفی شده‌اند و عناوین کتب و مقالات و نشانی پستی آنان نیز در ذیل شرح حالشان آمده است.

۱۵. **الفصول فی الحساب الهندی** این کتاب دربارهٔ ریاضیات هندی است که دانشمندان اسلامی به آن تسلّطی کامل داشته‌اند و ازمنابع مهم ریاضیات تطبیقی به شمار می‌آید.

۱۶. **القولنج** یکی از کتابهای مهم محمد بن زکریای رازی است که دربارهٔ علل قولنج و کیفیت مداوای آن نوشته است. کلمهٔ قولنج از قولون یونانی گرفته شده است.

۱۷. **بغیة الطلاب فی شرح منیة الحساب** این کتاب از متون مهم اسلامی در علم ریاضیات است که برای نخستین بار چاپ می‌شود و از منابع مهم تاریخ ریاضیات اسلامی به‌شمار می‌آید.

۱۸. **الانیق فی المجانیق** مؤلف این کتاب ابن ارنبغا، این کتاب را دربارهٔ ابزار و آلاتی که با آن در جنگها سنگ و یا مواد آتشی به سوی دشمن پرتاب می‌کردند، تألیف کرده است؛ و از منابع مهم تاریخ علم «جرالاثقال» به شمار می‌آید.

۱۹. **الاقراباذین** قلانسی، این کتاب را دربارهٔ داروهای مرکّب و کیفیت بکار بردن آن تألیف کرده است. پیش از این قراباذین کندی و قراباذین سمرقندی به وسیله مارتین لوی چاپ و ترجمه شده و کتاب قلانسی مکمل آن دو در علم داروشناسی اسلامی است.

۲۰. **کتاب من مؤلفات ابن سینا الطبیة** یکی از کتابهای ابن سینا در علم پزشکی است که برای نخستین بار چاپ می‌شود.

مؤسسه، گذشته از کتابهای یاد شده، فهرست‌هایی برای کتاب بروکلمان منظم ساخته که تاکنون سه مجلد از آن چاپ شده و نیز دربارهٔ تاریخ و باستان‌شناسی حلب سه مجلد تحت عنوان: **موسوعة حلب و عادیات حلب** چاپ و منتشر ساخته است.

از انتشارات دیگر مؤسسه، یکی چاپ مجله‌ای است که سالی دو شماره تحت عنوان: **مجلة معهد تاریخ العلوم عندالعرب** منتشر می‌شود و تاکنون به سال هفتم خود رسیده است؛ و دیگر مجموعه سخنرانی‌هایی است که در کنگره بین‌المللی اول و دوم و نیز مجموعه سخنرانی‌هایی که در کنگره‌های ملی مؤسسه ایراد شده که تعداد این مجموعه‌ها از ده متجاوز گردیده است.

زبان رسمی کنگره عربی و انگلیسی و فرانسه بود و مباحثات با این سه زبان صورت می‌گرفت؛ و مقالات مهمی که در این کنگره ارائه شد عبارت بود از:

۱. پیغمبر فرمود: حبِ سیاه (= حبّ البرکة، شونیز) داروی هر دردی است بجز مرگ.

۲. حکم تشریح بدن در دیانت اسلام.

۳. ارتباط بهداشت با تمدّن از نظر ابن‌خلدون.

۴. پژوهشی در نسخهٔ خطی کتاب **السّموم** از ابن وحشیهٔ کلدانی.
۵. دندان پزشکی و پیش‌گیری از دندان درد در طب اسلامی.
۶. معرفی کتاب **مجمع الفوائد البدنیة** از ابن کتبی.
۷. پزشك داروشناس اندلسی ابوالعباس نباتی
۸. معرفی جلدکی، شیمی‌دان معروف قرن چهاردهم میلادی.
۹. منابع اسلامی برای گردآوری اصطلاحات علم هندسه.
۱۰. احمد بن یوسف تیفاشی و کتاب او دربارهٔ جواهر و احجار.
۱۱. آگاهی‌های تازه دربارهٔ ابوالفتح خازنی و کتاب او دربارهٔ وزن فلزات.
۱۲. سهم مسلمانان در نشر علوم در اروپا.
۱۳. نقش سیسیل در نقل علوم اسلامی به اروپا در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری.
۱۴. انتقال علم کیمیا از اسلام به اروپای لاتین.
۱۵. انتقال علوم پزشکی از اسلام به اروپا در قرون وسطی.
۱۶. سهم اندلس در نقل علوم اسلامی به اروپا.
۱۷. معرفی کتاب **الشکوك علی جالینوس** الحکیم، از محمد بن زکریای رازی.
۱۸. اثر روان شناسی ابن سینا در **کمدی الهی** از دانته.
۱۹. مسأله و مفهوم «بی نهایت» در فلسفهٔ یعقوب بن اسحق کندی.
۲۰. توازن حرارتی درمعماری سنتی اسلامی.
۲۱. اثر رازی در وسالیوس پزشك اسپانیایی.
۲۲. ابوزید حنین بن اسحق عبادی و اصطلاحات علمی او.
۲۳. ابوریحان بیرونی و زمین شناسی جدید.
۲۴. دو نظریه «ابصار» در اسلام.
۲۵. نقش مسلمانان در بین‌المللی کردن علوم.
۲۶. سهم مسلمانان در پیشبرد علم کشاورزی.

از ایران فقط این جانب در کنگره شرکت داشتم و مقاله‌ام تحت عنوان: «الشکوك علی جالینوس الحکیم لمحمد بن زکریاء الرازی» در روز دوم کنگره ایراد شد؛ و در آن پس از بیان شخصیت علمی محمد بن زکریا، روش انتقادی او و سپس ارزش علمی کتاب **شکوك** از جهت شناسایی آثار علمی جالینوس و رازی به تفصیل بیان گردید.

پیش از کنگره، خلاصهٔ همهٔ مقالات به زبان عربی و انگلیسی میان شرکت کنندگان

توزیع شده بود. چون سال دیگر مصادف با سال وفات دو پزشك معروف اسلامی یعنی ابن النفیس و ابن القف است، قرار است کنگره ای در سطح بین المللی تشکیل شود؛ و در آن این دو دانشمند و آثارشان معرفی گردند و در ضمن چون ابن النفیس از مشهورترین دانشمندان اسلامی در چشم پزشکی است؛ ده کتاب از مهم‌ترین آثار چشم پزشکی اسلامی انتخاب شده که مورد تصحیح و تحقیق و انتشار قرار گیرد و آن ده کتاب عبارتند از:

۱. **المرشد فی الکحل**، از محمد بن قسوم بن اسلم غافقی.
۲. **نتیجة الفکر فی علاج امراض البصر**، از ابوالعباس احمد بن عثمان القیسی.
۳. **نهایة الافکار و نزهة الابصار**، از عبدالله بن قاسم الحریری الاشبیلی.
۴. **الاسباب والعلامات**، از نجیب الدین محمد بن علی السمرقندی.
۵. **الکافی فی الکحل**، از خلیفة بن ابی المحاسن الحلبی.
۶. **المهذّب فی الکحل**، از ابوالحزم ابن النفیس القرشی.
۷. **مقدمة فی الکحل**، از تاج الدین مفضلی بن هبة الله.
۸. **الکافی فی طب العین**، از رشید الدین الصوری.
۹. **نورالعیون و جامع الفنون**، از صلاح الدین بن ابی الرجاء.
۱۰. **کشف الرین فی احوال العین**، از محمد بن عبدالله معروف به ابن الاکفانی.

از مسائلی که در این کنگره مورد بحث و گفتگو قرار گرفت، این بود که چرا مسلمانان با داشتن سابقهٔ درخشان و سرمایه فراوان علمی ادامه کوشش خود را در علوم تجربی و تکنولوژی رها کردند؟ و آن میراث نفیس و کهن را به باد فراموشی سپردند؛ و نیز هنگامی که غرب با استفاده از سرمایهٔ علمی مسلمانان با سرعت در علم و تکنولوژی پیش می‌رفت، چرا مسلمانان خود در این امر، بی‌تفاوت و نظاره گر بودند؟ و همچنین چرا هنوز هم که غربیان توجه به آثار علمی دانشمندان اسلامی را ادامه و در دانشگاههای خود، آن آثار را مورد بحث و تحقیق و نشر و ترجمه قرار می‌دهند این توجه میان خود مسلمانان کمتر است؟ و بجز چند کشور اسلامی که در این دو دهه اخیر عنایت خود را به پزشکی و داروشناسی و ریاضیات و هیأت و نجوم اسلامی معطوف داشته‌اند در بقیه، حتی اسمی هم از دانشمندان اسلامی در مراکز علمی‌شان برده نمی‌شود. تحلیل و بررسی دقیق این مسائل می‌تواند راه گشایی از برای پی‌ریزی کردن اساس علمی استوار در مراکز علمی کشورهای اسلامی باشد تا هر چه زودتر از وابستگی علمی به غرب که خود وابستگی‌های دیگری را به بار می‌آورد بیرون آیند.

بمنّه و کرمه ان شاءالله تعالی

كتاب الشكوك على جالينوس*

لمحمد بن زكريا الرازى

ابوبكر محمّد بن زكريا بن يحيي الرّازي الملقّب بجالينوس العرب[1] و طبيب المسلمين[2] و علّامة علوم الاوائل[3] كان من أعظم علماء الإسلام شهرة وأشهرهم علماً. درس الرّازي عند عدّة من علماء بلاد خراسان و ماوراء النهر وطبرستان مثل ابى العبّاس الإيرانشهرى النّيشابورى[4] وأبي زيد البلخى[5] و علىّ بن ربّن الطّبرىّ[6] و توغّل في الأعمال الطبيّة في مستشفيات الرّى و بغداد حتّى اشتهر بالطبيب المارستانى[7] وكذا ناقض و ناظر علماء زمانه من جملتهم ابوالقاسم الكعبىّ البلخى[8] في العلم الإلهى و مسألة الزّمان وأحمد بن الحسن المسمعى[9] في مسألة قدم الهيولى و ابوالعبّاس النّاشى الأكبر[10] في اثبات الطب وابوالحسن شهيد بن الحسين البلخى[11] في مسألة اللّذّة وأحمد بن محمد ابوطيب السرخسى[12] في أثر الطعم المر واحمد بن كيال[13] في مسألة الإمامة.

والدليل على جلالة قدر الرازي في العلم أن ابا الريحان البيروني برغم انه كان مخالفاً للرازي في بعض عقائده الفلسفية والدينية ألف كتاباً ذكر فيه آثار الرازي على حسب الموضوعات المختلفة العلمية[14] أعنى الطب والطبيعيات والمنطق والرياضيات والنجوم و تفاسير كتب القدماء وتلاخيصها والفلسفيات والتخمينيات و ما فوق الطبيعة والكيمياء والكفريات والفنون المختلفة الاخرى.

وفي جملة كتبه في الطبيعيات يذكر البيروني كتاب «الشكوك على جالينوس»[15] ومع الأسف ما بقى لنا من ذلك الكتاب القيم الأ ثلاث نسخ يظن انها ترجع الى أصل واحد وبرغم ان الكتاب مفيد جداً لطالبى تاريخ الطب في الإسلام ما طبع حتى الآن. والغرض من كاتب هذه المقالة أن

يعرّف الكتاب إلى العلماء الحاضرين في هذا المجلس الشريف على حسب الطّاقة والاستطاعة.

قبل الخوض في أصل البحث لابد أن نشير إلى ان لفظ «الشك» يعادل اللفظ اليونانى Aporia الذى يؤدى معنى الضيّق والعسر والورطة والحيرة، وفي مجال الجدال الفلسفى يدل على الصعوبة والمشكلة والمعضلة واقتر ان لفظ الشك أو مقابله اليونانى بالحرف «على» Pros يقربه من معنى الاعتراض والنقد[۱۶]. فغرض الرازي في كتابه اثارة الشكوك أو الاعتراضات على مواضع مشكلة تورط فيها جالينوس في مؤلفاته.

ولد جالينوس في سنة ۱۳۰م. في مدينة Pergamon التي عربت بفرغامس أو فرغامن من بلاد آسيا الوسطى و مات في سنة ۲۰۰م. في سيسيل و ترك آثاراً عديدة في العلوم المختلفة خاصة في الطب والفلسفة. الف جالينوس في حياته فهرساً لمؤلفاته وذلك الفهرس يسمى «فينكس»[۱۷] أو «بينكس»[۱۸] من Pinax اليونانية بمعنى القائمة وألف كتاباً آخر في كيفية تقدم كتبه و تأخرها في القراءة ويسمى «في مراتب قراءة كتبه»[۱۹]. اشتهرت آثار جالينوس بعده وكثر تابعوه و تلامذته و انتشروا في البلاد و درسوا آثاره في المدارس والمعابد، و بعد مدة اختفت النصوص اليونانية في زوايا الأديرة والمعابد و نسيت أو كادت تنسى ولكن المترجمين الاسلاميين ترجموا جلّ آثاره من اليونانية الى السريانية والعربية، و في العصور الوسطى في اوربا ترجمت من العربية الى اللاتينية[۲۰] حتى انتهى الى عصر النهضة الذى اكتشفت فيه آثاره اليونانية وترجمت الى اللاتينية ثم الى اللغات الاخرى.

اشتركت في ترجمة آثار جالينوس في العصر الاسلامى عدد كثير من المترجمين ولحنين بن اسحق العبادى المشهور بحنين الترجمان المتوفى سنة ۲۶۰هـ[۲۱] سهم كبير في امر ترجمة كتب جالينوس و قد بقيت منه رسالة يذكر فيها الكتب التى ترجمها من جالينوس[۲۲] و هذه الكتب كانت سبباً في شهرة جالينوس بين المسلمين حتى صار اسمه في الادب دالاً على الكمال في فن الطب يقول المتنبى:

لما وجدت دواء دائى عندها هانت علىّ صفات جالينوسا[۲۳]

كان الرازي من أقدم العلماء الذين توجهوا نحو آثار جالينوس واستفادوا منها حتى انه وجد كتبا له لاتوجد في فهرست حنين بن اسحق ولا في فهرست جالينوس نفسه[۲۴]. و قد كان الرازي متابعا لآراء جالينوس لا في الطب فقط بل كان يحذو حذوه في الفلسفة والأخلاق أيضاً فلا عجب أن نرى أنه يصرّح في ابتداء كتاب الشكوك بهذه العبارة:

«... اذ كنت قد بليت بمقابلة من هو أعظم الخلق على منّة وأكثرهم لى منفعة، و به اهتديت و على أثره اقتفيت و من بحره استقيت بما لاينبغى أن يقابل به العبد سيّده والتلميذ استاذه والمنعم

عليه ولى نعمته»[٢٥] و كذا نجد بعض عناوين كتب الرازي تطابق عناوين كتب جالينوس نحو «البرهان» و «فيما يعتقده رأيا» و «فى منافع الأعضاء»[٢٦] و قد لخص الرازي بعض الكتب المهمة لجالينوس نحو «اختصار كتاب النبض الكبير» و «تلخيص لحيلة البرء» و «تلخيصه للعلل والأعراض» و «تلخيصه للاعضاء الآلمة»[٢٧] و هو يصرّح فى كتاب الشكوك بأنّ جالينوس كان مقدما على ارسطو بهذه العبارة:

«ولقد كان رجل وجيه بمدينة السّلام ممن يميل إلى ارسطاطاليس يقرأ معى كتب جالينوس فإذا بلغ إلى أمثال هذه المواضيع أكثر لومى و تعسفى على تفضيله و تقديمه و كان يعلم اللّه كثيراً ما يخجلنى علو حجته علىّ في هذه الاشياء»[٢٨] وجدير بالذكر ان الرازي يميل إلى افلاطون في كثير من المباحث التى يخالف جالينوس فيها ارسطاطاليس و يوافق افلاطون مثل مسألة اللذة والألم و مسألة النفوس الثلاثة ولهذا يقول صاعد الأندلسى في حق الرازى: «و كان شديد الانحراف عن ارسطاطاليس و عائبا له في مفارقة معلمه افلاطون و غيره من متقدمى الفلاسفة في كثير من آرائهم»[٢٩].

الف الرازي كتاب الشكوك بعد قراءة مصنفات جالينوس المهمة ولهذا وجد مواضع الشكوك في كتبه المختلفة والتناقض فيها في المسائل المتعددة. وقد يسمى ابوالريحان البيروني في فهرسته هذا الكتاب «الشكوك على جالينوس»[٣٠] و ابن ابى اصيبعه يسميه «الشكوك والمناقضات التى في كتب جالينوس»[٣١] و قد وجدنا في النسخة التى استفدنا منها و نرجع إليها هذا العنوان «كتاب الشكوك للرازي على كتاب فاضل الأطباء جالينوس في الكتب الذى نسب إليه».[٣٢]

و يجب أن نذكر ان الاسكندر الافروديسى[٣٣] نقض آراء جالينوس[٣٤] قبل الرازي و كذلك يحيى النحوى إلاسكندرانى وضع كتابا سماه الشكوك أورد فيه ما يزعمه اغلوطات جالينوس[٣٥].

و قد أشار محمد بن سرخ النيشابورى الفيلسوف الإسماعيلى في كتابه الذى يشرح فيه قصيدة أبى الهيثم الجرجانى إلى كتاب الشكوك للرازي ثم يذكر ان رجلا في زمان الرازي وضع كتابا وسماه الشكوك على محمد بن زكريا وإذا رأى الرازي هذا الكتاب قال: «منزلتى عنده كمنزلة جالينوس عندى» ثم اقر الرازي باشتباهات نفسه[٣٦] ولنا شك في صحة هذه الاسطورة ولكن من المسلم به ان ابن ابى صادق[٣٧] وابن رضوان المصرى[٣٨] و ابا العلاء بن زهر[٣٩] وضعوا كتباً باسم «حل شكوك الرازي على كتب جالينوس». و يشير ابن ميمون القرطبى إلى رد ابن رضوان و ابن زهر في كتاب فصوله[٤٠] و كان كتاب ابن رضوان في يد ابن أبى اصيبعة[٤١] ولكنه الآن مفقود و لكن بقى لنا من كتاب ابن زهر نسخة في مكتبة مدرسة نواب بمشهد ـ ايران[٤٢] و عنوان النسخة هكذا «البيان والتبيين في الانتصار لجالينوس» و يظنّ ابن زهر أن أحدا من السوفسطائية ابتدع هذا

الكتاب و نسبه إلى الرازي أو ان الرازي الف الكتاب في أحد طرفى عمره: اما في أوله قبل أن يفهم كتب جالينوس و إما في آخره عند اشتغاله بالصناعة أعنى الكيمياء و تسلط روائح الزرانيخ والكباريت على دماغه[۴۳] يبتدىء الرازي كتاب الشكوك بهذه العبارة:

«إنى لأعلم ان كثيراً من الناس يستجهلونى في تأليف هذا الكتاب»[۴۴] و هو يدافع إيراد هذه الجماعة بقوله: «ان صناعة الطب والفلسفة لايحتمل التسليم للرؤساء والقبول منهم ولا مساهلتهم و ترك الاستقصاءعليهم ولا الفيلسوف يحب ذلك من تلاميذه والمتعلمين منه»ثم يجيب لائميه بقوله:

«وأما من لامنى وجهلنى في استخراج هذه الشكوك فانى لااعده فيلسوفاً إذ كان قد نبذ سنّة الفلاسفة و راء ظهره و تمسك بسنّة الرعاع و تقليد الرؤساء و ترك الاعتراض عليهم هذا ارسطاطاليس يقول: اختلف الحق وفلاطن و كلاهما صديقان إلا أن الحق لنا أصدق من فلاطن»[۴۵] ثم يقول الرازى:

«وإن سئلت عن السبب الذى من أجله يستدرك المتاخرون في الزمان على أفاضل القدماء بمثل هذه الاستدراكات. قلت إن لذلك اسباباً: منها السهو والغفلة الموكلة بالبشر، و منها غلبة الهوى على الرأى فانه ربما طمس الهوى عين الرأي في رجل من الناس لأمر ما حتى يقول فيه ما خطا إما هو يعلم خطأه و إما هو لايعلم خطأه حتى إذا تصفح ذلك القول رجل لبيب عار من ذلك الهوى لم يذهب عليه ما ذهب على الرجل الأول ولم يدعه الهوى الى ما دعاه إليه. و منها ان الصناعات لاتزال تزداد و تقرب من الكمال على الأيام... فإن قيل لى هذا يدعو الى ان يكون المتاخرون من أهل الصناعات أفضل فيها من القدماء. قلت إني لا أرى أن اطلق ذلك إلا بعد ان اشترط في وصف هذا المتآخر في الزمان إذا كان مكملا لما جاء به القديم».

أورد الرازي في كتابه شكوكا على جالينوس في المسائل الطبية والفلسفية و لهذا اعترض ابن ميمون في كتابه الذي سماه «الفصول» على الرازي بأن الرازي في كتاب الشكوك بذل جهده في المسائل الفلسفية وأهمل المسائل الطبية[۴۶] ولكن ايراد ابن ميمون مدفوع بأن جالينوس نفسه بحث في كتبه الطبية عن المسائل الفلسفية مثل الحدوث والقدم والكون والفساد والزمان والمكان والهيولى والخلاء والملاء و ذلك بأن القدماء كانوا يعتقدون بأن الطب والفلسفة يكملان أحدهما الآخر حتى روى عن بعضهم ان الطب فلسفة البدن والفلسفة طب الروح[۴۷] و هذا جالينوس الف كتاباً سمّاه «في أن الطبيب الفاضل يجب أن يكون فيلسوفاً»[۴۸] و كذلك كانت سيرة أطباء الاسلام أن يذكروا المسائل الفلسفية في كتبهم الطبية ليكون أثرهم جامعا لطب الأبدان وطب الأنفس معا و نجد هذا الاسلوب في كتاب فردوس الحكمة لعلى بن ربن الطبرى و هكذا في كتاب المعالجات البقراطية لأبى الحسن الطبرى. و يجب أن نذكر ان الرازي خرج عن مسألة الطب والفلسفة مرة

واحدة وذلك حين اعترض على قول جالينوس في مسألة اللغات. قال جالينوس: «ان لغة اليونانيين أعذب اللغات لأن لغات سائر الأمم يشبه بعضها صياح الخنازير و بعضها نعيق الضفادع» وقال الرازي في رده: «إن هذا كلام عوام الناس لأن الألفاظ انما يخف و يعذب بالاعتياد وان لغة العرب عند العرب كلغة اليونانيين عندهم وان العرب يستثقل لغة الروم كما يستثقل الروم لغة العرب»[٤٩] ويشير ابن حزم الى كلام جالينوس بهذه العبارة: «هذا جهل شديد لأن عالم كل لغة ليست لغته ولايفهمها فهى عنده في النصاب الذى ذكره جالينوس ولافرق»[٥٠] والكتب التى أورد الرازي الشكوك عليها تكون من أهم كتب جالينوس مثل: آراء بقراط وافلاطون، الاخلاق، الادوية المفردة،الاسطقسات على رأى بقراط، اصناف الحميات، الاعضاء الآلمة،الاغذية، الامراض الحادة، البحران، البرهان، التجربة الطبية، تدبير الاصحاء، تشريح الحيوان، تفسير كتاب البقراط في طبيعة الإنسان، تفسير كتاب الفصول، تقدمة المعرفة، حركة العضل، حيلة البرء، الذبول، الرعشة والنافض، الصناعة الصغيرة، العلل والأعراض، قاطاجانس، القوى الطبيعية، في أن قوى النفس تابعة لمزاج البدن، في ما يعتقده رأيا، المزاج، منافع الاعضاء، المنى، الميامر، النبض الكبير. وهكذا ذكر الرازي في كتاب الشكوك أقوالا طبية وفلسفية من الحكماء اليونانيين مثل افلاطون و ارسطاطاليس و بقراط و ثامسطيوس و ثاوفرسطس و خروسبس و انبدقلس و ديوقلس و ثالس و اسقليبيادس و ديوسقوريدوس و ارسسطراطس[٥١] و من العلماء، الاسلاميين مثل حنين بن اسحق و محمد بن موسى[٥٢] و كذا أشار الى رجل وجيه و صديق نبيل كان يقرأ معه كتب جالينوس ولم يصرح باسمه[٥٣].

وحينما يورد الرازي الشكوك على جالينوس يشير الى بعض كتب نفسه التى فقدت على مر الدهور وهذا يمكننا أن نعلم بعض مطالب كتب الرازي التى لم يبق لناحتى الآن إلاأسماؤها ومن جملتها: سمع الكيان، يقول في الشكوك:

«وقد أفردنا لبعض رأى من زعم إن التغيرات كمون وظهور في كتاب سمع الكيان من قرأها علم ان في هذا الكلام تقصيراً عما يحتاج اليه»[٥٤].

في الرد على السرخسى في امر الطعم المر، يقول في الشكوك في بحث الاستدلال على عمل الدواء من جهة الطعم:

«وقد أفردنا لهذه المطالبات مقالة جعلنا رسمها في الرد على أحمد بن الطيب السرخسى في امرالطعم المر».[٥٥]

في أن مركز الأرض ينبوع البرد، يقول في الشكوك:

«وكان جالينوس يرى ان الركن البارد هو الأرض و قد وجب عليه ان الأرض باردة

باطلاقه والبارد باطلاق هو الذى لاشيء أبرد منه فهو اذن أبرد من الجمد و في ذلك مخالفة الحسّ وتحتاج في حلّ هذا الشك إلى كلام كثير و قد أفردنا لذلك مقالة»[۵۶].

في كيفية الابصار، يقول في الشكوك:

«وقد أفردت النظر في هذا الرأى مقالة ضخمة و بينت أن الأبصار يكون بتشبح الأشباح في البصر و تعصب ما قاله في هذا الراى في كتاب البرهان و في سائر كتبه تعصبا شافيا و ما قلته ههنا يجرى في غرض كتابنا هذا»[۵۷].

في الأزمنة والاهوية، يقول في الشكوك حينما ينقل رأى جالينوس من أن احوال بعض الطباع يكون أجود في الصيف:

«ولكن لاينبغى أن يطول الكتاب بحله ولا بالجملة شيء من الشكوك التى في كلامه في الأزمنة لانها كثيرة جداً ونحتاج فيها من الكلام الى أضعاف هذا الكتاب ولأنا عازمون وباللّه التوفيق على عمل كتاب في الأزمنة نخصه بهذا المعنى و نبحث فيه عما في هذه المقالة وما في كتاب الأهوية بحثا مستقصى ان شاءالله تعالى»[۵۸].

في جوّ الأسراب، يقول في الشكوك:

« و قد بينا في مقالة مفردة ان الحرارة التى نحسها في الشتاء في ماء العيون وأهوية المواضع الغامرة ليست من أجل انها في انفسها في هذه الحالة أسخن منها في الصيف لكن نحن نحسها من أجل برد أبداننا كذلك كما نحس الماء الفاتر بعد دخول الحمام و سخونة أبداننا بارد وإن شئت تقف عن جميع ما قلناه في هذا الباب فاقرأ هذه المقالة»[۵۹].

النفس الكبير، يقول في الشكوك:

«و فيما رد به على خروسبس في عوارض النفس شكوك كثيرة لم يجب أن يطول بها هذا الكتاب لانا عازمون على أن نكتب في هذا الفن كتابا نستقصيه إن شاءالله تعالى و نذكر في هذا الكتاب ما يتشكل عليه في كتاب الأخلاق»[۶۰].

وكذلك نجد في كتاب الشكوك المطالب العلمية التى تكشف عما قاله الرازي في بعض كتبه التى فقدت وإن لم يصرح نفسه باسماء تلك الكتب.

هذا ما تيسر لى من تعريف ذلك الكتاب القيم على حسب مقتضى الحال والمقام وأوصى الباحثين في آثار جالينوس والرازي وافكارهما الطبية والفلسفية أن يتلقوا الكتاب باهمية خاصة وأرجوا من اللّه أن يوفقنى لتصحيحه و نشره لأخدم بذلك طالبى تاريخ العلوم الاسلامية ومحبيها إن شاء اللّه تعالى.

* ألقى البحث في الندوة العالمية الرابعة لتاريخ العلوم عند العرب بحلب في نيسان ـ ١٩٨٧م.

١. ابن ابى اصيبعة، **عيون الأنباء في طبقات الاطباء** (بيروت ٦٣ ـ ١٩٦٥)، ص ٤١٥.

٢. القفطى، **أخبار الحكماء** (ليبزيك ١٩٠٣)، ص ٢٧١.

٣. ابن تغرى بردى، **النجوم الزاهرة في أخبار مصر والقاهرة** (قاهره ١٣٤٨ ـ ١٣٦٩)، ج ٣ ص ٢٠٩.

٤. ناصر خسرو، **زاد المسافرين** (برلين ١٩٤١)، ص ٩٨.

٥. ابن النديم، **الفهرست** (طبعة فلوجل)، ص ٢٩٩.

٦. القفطى، **اخبار الحكماء**، ص ٢٣١.

٧. ابن جلجل، **طبقات الأطباء والحكماء** (قاهره ١٩٥٥)، ص ٧٧ «مارستان» مخفف «بيمارستان» بمعنى المستشفى.

٨. ابن المرتضى، **طبقات المعتزلة** (بيروت ١٣٨٠)، ص ٨٨.

٩. المسعودى، **التنبيه والإشراف** (بغداد ١٣٥٧)، ص ٣٤٢.

١٠. ابن المرتضى، **طبقات المعتزلة**، ص ٩٣.

١١. ياقوت حموى، **معجم البلدان** (ليبزيك ١٨٦٦)، ج ٢ ص ١٦٧.

١٢. ياقوت حموى، **إرشاد الاريب** (قاهرة ١٩٢٤)، ج ١ ص ١٥٨.

١٣. مقدسى، **البدء والتاريخ** (باريس ١٨٩٩ ـ ١٩١٩)، ج ٥ ص ١٢٤.

١٤. نشرة بول كراوس (باريس ١٩٣٦) نشرة مهدى محقق مع المشاطة لرسالة الفهرست لغضنفر التبريزى (تهران ١٩٨٧).

١٥. البيرونى، **الرسالة**، رقم ٨٨.

١٦. عبدالحميد صبره، **مقدمة الشكوك على بطلميوس لابن الهيثم**، (قاهره ١٩٧١)، ص م.

١٧. حنين بن اسحق، **الرسالة**، ص ٢ «وسماه فينكس و ترجمته الفهرست».

١٨. ابن ابى اصيبعة، **عيون الأنباء**، ص ١٣٤.

١٩. في اللاتينية De Ordine Librorum.

٢٠. ارجع

Durling, R. J. A chronological Census of Renaissance Editions and Translations of Galen, The Journal of the Warburg and Courtamld Institute, Vol. XXIV, Nos 3-4, 1961, P.233.

٢١. ابوزيد حنين بن اسحق العبادي المتوفى ٢٦٠ (ابن النديم) أو ٢٦٤ (ابن ابى اصيبعة) على بن ابن الطبرى يذكره مع لقب «الترجمان»، **فردوس الحكمة** (برلن ١٩٢٨)، ص ٨.

٢٢. **رسالة إلى على بن يحيى فى ذكر ماترجم من كتب جالينوس بعمله و بعض مالم يترجم، مع الترجمة التى عملها برجستراسر** Bergstrasser (ليبزيك ١٩٢٥).

٢٣. **ديوان المتنبى** (طبعة ديتريصى برلن ١٨٩١)، ص ٩٤.

٢٤. يذكر ابن أبى اصيبعة كتابا للرازي باسم: **فيما استدركه من كتب جالينوس و لم يذكرها حنين ولاهى في فهرست جالينوس عيون الانباء**، ص ٤٢٤.

۲۵. الرازی، **کتاب الشکوک**، مخطوط مکتبة ملك تهران مجموعة ۴۵۷۳، ص ۱ من نفس الکتاب.
۲۶. ابن ابی اصیبعة، أرقام ۲، ۱۹۰، ۱۹۱، من آثار الرازی. حنین بن اسحق، **الرسالة**، ارقام ۱۱۵، ۱۱۳، ۴۹ من آثار جالینوس.
۲۷. البیرونی، **الرسالة**، ارقام ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱ من آثار الرازی. حنین بن اسحق، **الرسالة**، ارقام ۲۶، ۲۰، ۱۴، ۱۵ من آثار جالینوس.
۲۸. الرازی، **کتاب الشکوک**، ص ۱۶.
۲۹. ابوالقاسم صاعد بن احمد، **طبقات الأمم** (بیروت ۱۹۱۲)، ص ۳۳.
۳۰. البیرونی، **الرسالة**، رقم ۸۸.
۳۱. ابن ابی اصیبعة، **عیون الأنباء** ص ۴۲۲.
۳۲. مخطوطة مکتبة ملك تهران، ص ۱.
33. Alexander of Aphrodisias
۳۴. یذکر ابن ابی اصیبعة منه: «مقالة في الرد على جالینوس في المقالة الثامنة من کتابه في البرهان» «مقالة في الرد على جالینوس فیما طعن على قول ارسطاطالیس ان کل ما یتحرك فانما یتحرك عن محرك» «مقالة في الرد على جالینوس في مادة الممکن» **عیون الأنباء**، ص ۱۰۶.
۳۵. یقول علی بن رضوان المصری في رسالة منه إلى ابن بطلان البغدادی: «وأعجب من هذا ان یحیی النحوی وضع کتاباً سماه الشکوك یوضح فیه ما یزعمه اغلوطات جالینوس» **خمس رسائل** (قاهره ۱۹۳۷)، ص ۷۵.
۳۶. محمد بن سرخ النیشابوری، **شرح قصیدة ابوالهیثم احمد بن حسن الجرجانی** (تهران ۱۹۵۵) ص ۵۲.
۳۷. یقول ابن ابی اصیبعة عند ترجمة احوال ابوالقاسم عبدالرحمن بن ابی صادق من رجال القرن الخامس: «وکتب ابوالقاسم بخطه حل شکوك الرازي على کتب جالینوس»، **عیون الأنباء**، ص ۴۶۱.
۳۸. یذکر ابن ابی اصیبعة لابی الحسن علی بن رضوان المصری المتوفی ۴۵۳ کتاب «في حل شکوك الرازي على کتب جالینوس»، **عیون الانباء**، ص ۵۶۷.
۳۹. یذکر ابن اصیبعة لابی العلاء زهر بن ابی مروان Avenzoar المتوفی ۵۲۵ کتاب «حل شکوك الرازي على کتب جالینوس» **عیون الأنباء**، ص ۵۱۹.
۴۰. رد موسی بن میمون القرطبی Maimonides على جالینوس في الفلسفة والعلم الالهی، **مجلة کلیة الآداب بالجامعة المصریة**، المجلد الخامس، الجزء الأول (۱۹۳۷)، ص ۷۷.
۴۱. **عیون الأنباء** ص ۴۲۹.
۴۲. **مجلة آستان قدس رضوی**، مشهد ـ ایران، الدورة السابعة عدد ۱، ص ۱۱۶.
۴۳. ابن زهر، **البیان والتبیین**، مخطوطة مشهد، ص ۱ یقول ابن زهر: «قال السوفسطائی» بدلا من «قال الرازی».
۴۴. الرازی، **کتاب الشکوك**، ص ۱. اقتبس الرازي مبتدء کتابه من جابر بن حیان لأن الأخیر یبتدء کتابه «التجمیع» و کذا «السر المکنون» بعبارة: «ان قوما یستجهلونی...» ارجع إلى **جابر بن حیان** لبول کراوس

Paul Kraus (قاهره ٤٣ـ١٩٤٢)، ج ٢ ص ٢٥٢.

٤٥. على بن رضوان المصرى حينما ينقل في رسالته إلى ابن بطلان هذا القول لارسطاطاليس يضيف اليه قول فرفوريوس Porphyry الذى قال: «إن قتل آباءنا أهون إلينا من قبول الآراء الفاسدة» **خمس رسائل**. ص ٧٦.

٤٦. رد موسى بن ميمون القرطبي...، ص ٧٧.

٤٧. ارجع: Owsei Temkin, "Studies on Late Alexandrian Medicine", Bulletin of the History of Medicine, 1935, P. 418.

٤٨. حنين بن اسحق، **الرسالة**، رقم ١٠٣. طبع هذا الكتاب في غوتينغن من بلاد آلمان سنة ١٩٦٦ مع الترجمة الالمانية.

٤٩. الرازي، **كتاب الشكوك**، ص ٢٩.

٥٠. ابن حزم الأندلسى، **الإحكام في اصول الاحكام** (قاهره مطبعة الامام)، ج ١ ص ٣٢.

51. Plato, Aristotle, Hippocrates, Themistius, Theophrastus, Chrysippus, Empedocles, Diocles, Thales, Asclepiades, Dioscurides, Erasistratos.

٥٢. محمد بن موسى المنجم، **عيون الأنباء**، ص ٢٨٢ والرازي يسميه «فيلسوف العرب» **الشكوك**، ص ١٦.

٥٣. الرازي، **كتاب الشكوك**، ص ٨، ١٦، ٢٨.

٥٤. **الشكوك**، ص ١٠.

٥٥. **الشكوك**، ص ١٧.

٥٦. **الشكوك**، ص ١٧.

٥٧. **الشكوك**، ص ٥.

٥٨. **الشكوك**، ص ٢٥.

٥٩. **الشكوك**، ص ٢٣.

٦٠. **الشكوك**، ص ٢٤.